



باسمه تعالی

شیوه نامه اجرایی کرسی های ترویجی

در راستای حسن اجرای آیین نامه برگزاری کرسی های ترویجی مصوب ۱۳۹۵/۸/۱۰ مجمع هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره، شیوه نامه اجرایی شامل اهداف و وظایف کمیته های دستگاهی، مدارک و مستندات برای صدور گواهی و فرم های مورد استفاده به شرح زیر می باشد.

اهداف کرسی های ترویجی

۱. بسط و گسترش فرهنگ نواندیشی و نوآوری دانش در مراکز علمی و پژوهشی
۲. گفتمان سازی، بستر سازی و تمرین نقد علمی، مناظرات علمی و نظریه پردازی
۳. گسترش فضای عقلانیت و نهادینه سازی فرهنگ تضارب آراء
۴. ترویج نشاط علمی و شجاعت نوآوری، نقد، مناظره و نظریه پردازی
۵. توانمند سازی مراکز علمی در برگزاری کرسی های علمی

خط مشی کرسی های ترویجی

- ۱- مسئولیت ارزیابی محتوای کرسی های ترویجی و نیز نظارت بر اجرای آن بر عهده کمیته دستگاهی است،
- ۲- در فرایند برگزاری کرسی باید استانداردهای علمی رعایت شود،
- ۳- سه اصل اخلاق، منطق و آزادی بیان در نقد و نقل آراء، اشخاص و آثار سرلوحه قراردادده شود،
- ۴- در مباحثات از ورود به نزاع های غیرعلمی و شخصی پرهیز شود،
- ۵- مسئله محوری، نیاز محوری، و تولید دانش نوین و سودمند مورد تأکید است.

وظایف کمیته دستگاهی

- ۱- دریافت طرحنامه و مستندات: ۱- متن کرسی ترویجی در قالب فایل ورد و پی دی اف؛ ۲- رزومه علمی ارائه دهنده؛ ۳- مشخصات فردی ارائه دهنده (نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، رتبه علمی، دانشگاه/ موسسه محل اشتغال، شماره همراه و ایمیل و فایل عکس ارائه دهنده).
 - ۲- ارزیابی اولیه: ۱- انتخاب ارزیاب و انجام ارزیابی از سوی حداقل دو نفر (حداقل همتراز علمی با ارائه دهنده و در رشته تخصصی موضوع و تکمیل فرم ارزیابی)؛ ۲- ارزیاب می تواند از خارج از دانشگاه/موسسه ارائه دهنده کرسی ترویجی هم انتخاب شود؛ ۳- در صورت تأیید طرحنامه، جلسه کرسی ترویجی قابل برگزاری است.
 - ۳- انتخاب ناقد(ین): ۱- انتخاب ناقد(ین) با حداقل همتراز علمی با ارائه دهنده و در رشته تخصصی موضوع، ۲- ناقد(ین) می تواند از خارج از دانشگاه/موسسه ارائه دهنده کرسی ترویجی هم انتخاب شود. ۳- تکمیل فرم ارزیابی از سوی ناقد(ین)
 - ۴- برگزاری کرسی: ۱- اعلام عمومی در پورتال دانشگاه و سایر روش های اطلاع رسانی، ۲- برگزاری عمومی و حضوری کرسی (شامل ارائه طرحنامه، نقد ناقد(ین)، سوالات حاضرین و پاسخ ارائه دهنده و جمع بندی)، ۳- تهیه گزارش برگزاری کرسی.
 - ۵- ارائه گزارش: ۱- تأیید برگزاری کرسی از سوی کمیته دستگاهی، ۲- قرار دادن متن کرسی ترویجی در پورتال دانشگاه/موسسه، ۳- ارسال مستندات و پیش نویس گواهی به دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره.
- توجه: مراکزی که کمیته دستگاهی ندارند، موارد فوق الذکر توسط نزدیکترین یا مرتبط ترین کمیته دستگاهی قابل انجام است.

معیارهای تأیید کرسی ترویجی:

۱. موضوع کرسی در تخصص و مسیر مطالعاتی و پژوهشی ارائه دهنده کرسی ترویجی باشد.
 ۲. محتوای کرسی حرف نویی داشته باشد و موضوع نویی را ارائه داده باشد.
 ۳. حاصل مطالعات علمی و پژوهشی باشد.
- مستندات لازم برای صدور گواهی: برای صدور گواهی برگزاری کرسی ترویجی، لازم است مستندات زیر بصورت فایل نرم افزاری به دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره ارسال شود:
۱. متن کرسی ترویجی (فرم الف)
 ۲. گزارش کمیته دستگاهی (فرم ج)
 ۳. فایل اکسل تکمیل شده
 ۴. فرم تکمیل شده گواهی کرسی ترویجی (فرم گواهی به زبان فارسی خواهد بود، و برای ارائه دهندگان خارجی، می تواند به زبان اصلی باشد)



باسمه تعالی

فرم‌های مورد استفاده

الف - فرم متن کرسی ترویجی:

۱- مشخصات ارائه دهنده (گان):

نام و نام خانوادگی:	عباس پناهی
میزان تحصیلات:	دکتری
رشته تحصیلی:	تاریخ
مرتبه علمی:	دانشیار
نام و آدرس محل اشتغال:	دانشگاه گیلان، پژوهشکده گیلان شناسی
شماره تلفن:	09111945131
آدرس ایمیل:	apanahi@guilan.ac.ir
شناسه ORCID :	0000-0002-9114-3351

۲- عنوان کرسی:

عنوان فارسی: بررسی نقش و تاثیر جریان مشروطه خواهی گیلانیان بر جنبش مشروطه در ایران
عنوان انگلیسی: Studying the role and impact of the Guilanian constitutional movement on the constitutional movement in Iran
عنوان عربی: دراسة دور وتأثير الحركة الدستورية الغيلانية على الحركة الدستورية في إيران

۳- متن کرسی ترویجی: (آن دسته از ارائه دهندگان کرسی ترویجی یا دانشگاه یا موسسه‌ای که کرسی در آن برگزار می‌شود به

زبان غیرفارسی هستند، می‌توانند متن کرسی را به زبان اصلی ارائه دهند)

۱-۳ شرح موضوع: بطور دقیق و علمی شرح داده شود

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا به بررسی تقابل دو جریان استبدادی و مشروطه خواهی و نقش گیلانیان در زمینه تاثیر بر فرایندهای مشروطه خواهی در ایران پرداخته شود. انقلاب مشروطه در ایران حاصل تقابل دو تفکر سنت و مدرنیته بود. جریان سنت، تا اندازه زیادی تحت تاثیر آموزه‌های مذهبی شیعی و اندیشه حکومت استبدادی مطلقه در ایران قرار داشت، اما جریان مدرنیته حاصل اندیشه‌های روشنفکری و مدرن در حوزه قدرت و سیاست بود که از اواسط عصر قاجار تحت تاثیر اندیشه‌های روشنگری اروپا وارد ایران شده و طرفداران بسیاری در بین منورالفکران و نوگرایان داشت. با وجود تقابل مذهب با مدرنیته، در یک گذرگاه تاریخی کم نظیر در ایران، بخش عمده‌ای از مذهب‌یون که شامل مراجع عالیقدر تا منبری‌ها می‌شدند، یک صدا به منظور محدود نمودن دایره قدرت سلطنت و نظام استبدادی با مشروطه خواهی همگام شدند و در نتیجه ایجاد چنین نیروی اجتماعی عظیمی، انقلاب مشروطیت به پیروزی دست یافت.

سابقه‌ی تاریخی آغاز جریان روشنفکری در ایران به اواخر دوران فتحعلی‌شاه و اوایل دوران محمدشاه قاجاریه (۱۱۹۰-۱۲۳۲ش/۱۸۱۱-۱۸۵۳م) باز می‌گردد. در این زمان عده‌ای از دانشجویان برای تحصیل علم به اروپا رفته و در کنار تحصیل علوم و فنون، تحت تاثیر اندیشه‌های مدرن

سیاسی- اجتماعی اروپا قرار گرفته، در نتیجه بر آن شدند مروج این اندیشه ها در ایران شوند. جریان روشنفکری دوره ی مشروطه ، تلاش گسترده ای در جهت ایجاد «اصلاحات شبه مدرنیستی» در ساختار حکومت و ساختار اقتصادی- اجتماعی جامعه و در هم شکستن ساختارهای کلاسیک و غیروابسته ی آن بود. این اندیشه ها در گیلان طرفداران بسیاری داشت. زیرا نزدیکی گیلان به قفقاز از یک سو و واقع شدن رشت در مسیر ترانزیتی به اروپا بیش از پیش اندیشه های مشروطه خواهی به ویژه رویکرد رادیکالی آن در بین گیلانیان طرفدار داشت. در نتیجه پس از خیزش مرحله دوم مشروطه خواهی در ایران بعد از واقعه استبداد صغیر این جریان نقش فعالی در عرصه سیاسی، فکری و اجتماعی ایران ایفا نمود. از نظر عملی نیز جریان مجاهدان گیلانی با همکاری تبریزی ها روند مشروطیت را به سوی رادیکالیزم سوق داده و بعدها همین گروه نقش موثری در تضعیف سلطنت قاجاریه داشتند.

انقلاب مشروطه ایران سه کانون مهم و عمده داشت، تهران، تبریز و رشت. هر یک از این مراکز از جنبه های خاص فکری و سیاسی در دوره هایی از فراز و فرود آن بر این جنبش تاثیر گذار شدند. بی گمان در مرحله نخست جنبش مشروطه دو کانون نخست نقش آفرین تحولات مشروطه بودند، اما در مرحله دوم انقلاب مشروطه که شامل تحولات پس از استبداد صغیر، فتح تهران، شکست محمدعلی شاه و در نهایت مجلس دوم، حذف جناح سنتی مشروطه خواه و در ادامه آن رهبری در مجلس دوم و ایجاد نهادهای مدرن بوده است، گیلانیان از نظر سیاسی و فکری نقش آفرینی های زیادی انجام دادند. این نقش آفرینی مجاهدان و رهبران گیلانی بر مشروطیت ریشه در سازمانهای انقلابی ای داشت که در گیلان هم زمان با مشروطیت تاسیس شده بود. مشروطه ایرانی حاصل اندیشه های سوسیال دموکراسی ای بود که گیلانیان و سیاسیون آذربایجانی تحت تاثیر مجاهدان قفقازی در نتیجه سالها مراوده و سکونت در آن سامان از انقلابیون و متفکران قفقازی آموخته بودند. علاوه بر سوسیال دموکراسی قفقازی، جناح دیگر مشروطه خواه ایرانی که تحت تاثیر لیبرال دموکراسی اروپا- به ویژه فرانسه و بریتانیا- بودند، برای پیشبرد اهداف انقلابی حول محور مشروطه خواهی تلاش می کردند، اما این گروه یاد شده به مانند مجاهدان آذربایجانی و گیلانی رادیکال نبودند. با این حال، این دو گروه توانستند مذهبپو و سنتی ها که براساس سنت تاریخی همیشه در کنار شاه قرار داشتند، با خود همراه نموده و از نیروی اجتماعی آنان جهت پیروزی انقلاب مشروطه سود جویند. در نتیجه، مقابل این سه جریان قدرتمند فکری و اجتماعی، سلطنت منزوی شده بود. اساسا سلطنت و نظام استبدادی در برابر چنین نیروی عظیم اجتماعی قادر به مقابله نبود و در نهایت ناچار به تسلیم شد.

با چنین شروع قدرتمندی در اوان مشروطیت، انقلاب مشروطه توانست با توجه به قرن ها سلطه نهاد استبداد بر مردم، تأثیری شگرف بر اندیشه و باورهای مردم بر جای گذارد و باورمندی نیروی قدرت اجتماعی مردم را به آنان بقبولاند. در نتیجه تشکیل نظام پارلمانی و ترویج اندیشه ی آزادی خواهی، اراده ی ملت و حاکمیت قانون، مردم به خود جرئت دادند تا علیه حاکمان به مجلس شورای ملی اظهار دادخواهی کنند. این افکار و اندیشه ها صرفاً نشانه تأثیر گذاری انقلاب مشروطه بر گیلانیان نبود؛ بلکه کم و بیش در اغلب شهرها و مناطق ایران تفکر عدالت خواهی و قانون طلبی ریشه دوانیده بود.

یکی از دستاوردهای مشروطیت پس از تشکیل پارلمان، تاسیس انجمن ها و روزنامه های آزاد بود، در رشت بیش از چهارصد انجمن تشکیل شد و چند روزنامه با خط مشی رادیکالی منتشر شد. روزنامه ها و انجمن ها کارکردی شگرف در تضعیف پایه های نظام استبدادی در گیلان داشته و به جرات می توان گفت آنها صدای رادیکالیسم انقلابی گیلان بودند. همان صدایی که پس از خاموش شدن پارلمان در نتیجه به توپ بسته شدن مجلس و محاصره تبریز، در گیلان هر گز خاموش نشده و در نهایت با کمک گیلانیان و البته با نیروی نظامی بختیاری به شکست استبداد انجامید. بدون شک و تردید دو محصول مهم انقلاب مشروطه یعنی انجمن ها و آزادی بیان در زمینه روزنامه نگاری نقش مهمی در توسعه و گسترش افکار آزادی خواهی در ایران و گیلان با خود به همراه آورد، با این حال این مسئله در گیلان ریشه دارتر از سایر مناطق ایران بود. در یک تجزیه و تحلیل کلی میتوان به این نتیجه رسید، کانون مشروطه خواهی گیلانی به جهت تاثیر گذاری بر مشروطه ایران، از اهمیت زیادی برخوردار بوده است؛ زیرا علاوه بر نقش تاریخی که گیلانیان در سقوط استبداد محمدعلی شاهی و اعاده ی مشروطیت داشتند، این سرزمین دروازه ورود اندیشه های انقلابی، قانون خواهی، روشنفکری و مسیر نفوذ تفکر سوسیال دموکراسی از طریق قفقاز و اروپا به ایران بوده است. هرچند تبریز نیز به عنوان یکی از کانون های ورود اندیشه های آزادی خواهان قفقازی به شمار می رفت، اما نزدیکی رشت به تهران سبب می شد تا سرزمین گیلان نقش مهم تری در انتقال اندیشه های انقلابی به ایران را بر عهده داشته باشد و این مسئله نیز موجب گشت تا بیداری فکری و سیاسی در گیلان، بستر ساز تحولات اجتماعی و اعتراضی علیه حکومت قاجار گردد. از نظر تاریخی مردم گیلان با وجود گسترش نارضایتی و آمادگی انقلابی، نسبت

به تهران، کرمان و تبریز دیرتر به آهنگ انقلاب پیوستند؛ با آنکه بسترهای فکری در گیلان آماده بود، اما مناسبات ارضی و نظام ارباب - رعیتی در گیلان مانع از حرکت‌های انقلابی می‌گشت، هرچند با شروع انقلاب همین عامل یکی از مهم‌ترین مسائل و عوامل انقلاب مشروطه گیلان گشت. به طور کلی گیلان نیز همانند سایر مناطق ایران زیر سیطره نظام استبدادی بوده و در این سیستم و ساختار مردم از کمترین حقوق اجتماعی محروم بودند. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند خفقان اجتماعی و سیاسی در گیلان بیش از سایر ایالات ایرانی بوده است. زیرا از نظر ساختار زندگی اجتماعی و زیست بوم، مردم گیلان دارای معیشت دهقانی بوده و سیستم عشیره‌ای و ایلاتی در این پهنه بسیار اندک بوده است. در نتیجه به جهت فقدان نظام ایلی که نوعی حمایت سیاسی و نظامی برای افراد، خانواده‌ها و عشیره‌ها به دنبال می‌آورد و این مساله موجب کاهش قدرت و جسارت حکومت می‌شد، در گیلان به ندرت دیده می‌شد. این مساله موجب می‌شد که به جهت فشارهای اقتصادی و اجتماعی حاکمان قاجاری، شورش‌های دهقانی در گیلان تبدیل به یکی از شاخصه‌های مهم اجتماعی در این سرزمین شده و هم زمان با انقلاب مشروطه، دهقانان، نوغانداران، صیادان و سایر صنوف با انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی نقش فعالی در انقلاب مشروطیت داشته باشند. در کنار ویژگی‌های یاد شده، اقشار شهری گیلانی، مراودات فعالی با قفقاز و مراکز انقلابی آن داشته و اندیشه‌های مدرنیته و انقلابی را به نیکی می‌دانستند، از این رو در نتیجه فرصت ایجاد شده، تنور انقلاب را بیش از گذشته در گیلان روشن نمودند. سرانجام در دوره دوم مشروطیت و پس از استبداد صغیر با رویکرد رادیکالیسم نقش فعالی در تشکیل مجلس دوم داشتند، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که مرحله دوم انقلاب مشروطه که با رویکرد انقلابی همراه بوده است تا اندازه زیادی تحت تاثیر جریان‌های فکری مشروطه خواهی در گیلان بوده است.

۲-۳ سوابق دانشی: تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟

درباره مشروطیت در گیلان مطالعات متعددی انجام گرفته است، شرح و نقد برخی از این کتابها و مقالات در کتاب نگارنده تحت عنوان؛ عباس پناهی؛ ماخذ شناسی تحلیل انتقادی مشروطه گیلان، رشت، انتشارات فرهنگ ایلیا، ۱۴۰۰ آمده است. با وجود پژوهش های ارزشمند درباره مشروطیت گیلان، تاکنون با رویکرد؛ «تأثیرگذاری مشروطه گیلانی بر تحولات فکری و سیاسی مشروطه ایرانی و با تأکید بر رادیکالیسم انقلابی جنبش گیلان» پژوهشی انجام نگرفته است. نخستین پژوهشگری که به نقش برجسته گیلانیان در اعاده مشروطیت توجه داشته، فریدون آدمیت است. وی در کتاب؛ «فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران» می نویسد؛ مجاهدان گیلانی با عزم و اراده ای راسخ به نجات مشروطه برخاستند. به عقیده وی تبریزیان در مرحله دوم انقلاب مشروطه و پس از محاصره شهر توسط روسها و اجامر و اوباش، امکان خروج از این شهر را نداشته و بختیارها نیز فکر تصرف تهران را در سر نداشته و تنها استیلا بر اصفهان را برای خود کافی می دانستند. وی درباره بختیاری ها حتی پا را نیز فراتر نهاده و جنبش آنان را محلی قلمداد می کند. هرچند این دیدگاه وی قابل نقد است، زیرا سردار اسعد در بریتانیا بوده و با عزم برانداختن استبداد محمدعلی شاهی به ایران بازگشت (یزدانی، ۱۳۸۹، ۱۸۰). آدمیت با این توضیحات به این نتیجه می رسد این گیلانیان بودند که از طریق کمیته ستار و با سازماندهی نیروها در اوایل اسفند ۱۲۸۷ خ. نخست با تصرف قزوین و بعد از آن جسورانه بر تهران مسلط شدند. این تعبیل در برانداختن استبداد مطلقه صغیر در تهران نشان می داد که آنان به هیچ وجه یک تشکّل محلی در جهت منافع محدود خود نبودند بلکه آرمان ملی داشتند و رهایی ملت را از استبداد پی می گرفتند و به همین دلیل دسته های نظامی آنان که رهسپار پایتخت یعنی دژ استبداد بود، «اردوی ملی» نامیده می شد. اردویی که سرکوب شدگان مشروطه در تهران و زیر یوغ استبداد صغیر برای رسیدن آن ها به پایتخت لحظه شماری می کردند (آدمیت، ۹۷-۱۳۵۴: ۱۰۲). دکتر عظیمی دوبخشری نیز در مقاله «اهمیت مشروطه ی گیلانی» در نگاه «فریدون آدمیت» نیز به تحلیل دیدگاه فرویدون آدمیت پرداخته و نقش گیلانیان را در اعاده مشروطیت و تضعیف استبداد پرداخته است. وی همانگونه که آجودانی عنوان مشروطه ایرانی به تحولات مشروطه داده است، به مشروطه گیلان نیز عنوان با توجه به استدلال های خود مشروطه گیلانی میدهد. نکته دیگری که عظیمی به آن توجه و تأکید نموده است، تأکید بر نقش گروه قفقازی و سیوسیال دموکراتها در تحولاتی است که در نهایت که منجر به پیروزی مرحله دوم انقلاب مشروطه شده است. در نتیجه وی با توجه به نقشی که گیلانیان در شکست استبداد و برپایی دوباره نظام پارلمانی داشتند، عبارت «مشروطه گیلانی» را بر تحولات عصر مشروطه نام نهاده اند. از منظر وی مشروطه گیلان یگانه و به تعبیر ایشان «یونیک» بوده است. علاوه بر دیدگاه های یاد شده مقالات و کتاب های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، که نگارنده طرخنامه حاضر در کتاب؛ عباس پناهی؛ ماخذ شناسی تحلیل انتقادی مشروطه گیلان، به آن اشاره و به نقد و تحلیل این دیدگاه ها پرداخته ام. با این حال از برآیند این تحلیل به این نتیجه رسیده که علاوه بر نکات یاد شده مشروطه گیلان دارای ویژگی های منحصر به فرد دیگری است که در مقالات و یادداشت های پیشین یا گفته نشده و یا اینکه تنها اشاره ای گذار شده است، از جمله این نکات رویکرد رادیکالیسم در انقلاب مشروطه گیلان، داشتن برنامه و هدف مشخص توسط گیلانیان در فردای مشروطیت، ویژگی دهقانی، طراحی و دقت در اجرای برنامه های انقلابی و موارد دیگر است. این ویژگی بعدها تأثیر فراوانی بر فرایندهای اجتماعی عصر مشروطه و ایران معاصر داشته است. در طرح پیش رو تلاش می شود تا به این ویژگی ها منحصر به فرد اشاره شود.



باسمه تعالی

۳-۳ موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری کرسی ترویجی بطور واضح و روشن بیان شود

مشروطیت ترجمه واژه انگلیسی «constitution» است. «انقلاب مشروطه» انقلابی عدالت‌خواه، ضد ظلم و استبداد و خواهان استقرار قانون بود که در نتیجه پیوند روشنفکران ملی و روحانیون آزادی‌خواه به دست آمد. درخواست تأسیس عدالتخانه، ایجاد مجلس، محدود کردن اختیارات شاه و حتی کوتاه کردن دست بیگانگان را، از دلایل مشروطه‌خواهی مردم ایران برشمرده‌اند. واژه مشروطیت به معنی حکومت قانونی که از زبان ترکی عثمانی وارد زبان فارسی شده است و معنی آن حکومت قانونی و مرادف با کنستی توسیون فرانسوی است. مشروطیت ایران: یکی از بزرگترین وقایعی بود که تا آن زمان در تاریخ ایران روی داد و بالاترین تحول را بر جنبه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران به وجود آورد و حکومت استبدادی را که از اول خلقت تا آن دوران در ایران فرمانروائی می کرد واژگون کرد و هدفش آن بود که حکومت ملی را که پایه اش بر روی فلسفه نوین و رشدفکری، خردگرایی، آزادی و عدالت است برقرار سازد و آزادی عقیده و تساوی حقوق افراد و حکومت مردم بر مردم رادر ایران استوار کند و سرنوشت ملت را به خودمردم بسپارد. پیش از دوره قاجار در اندیشه سیاسی ایرانیان، سلطنت ودیعه‌ای الهی محسوب می شد و ارتباط حکومت و مردم بر پایه الگوی سنتی، یعنی شاه و رعیت بود که بر پایه آن سلطنت ودیعه‌ای الهی و همچنین شاه سایه خدا بر روی زمین به شمار می‌رفت. در نتیجه، جان، مال و ناموس رعیت در تسلط او قرار می گرفت که باید امنیت مردم را حفظ می‌کرد. وظیفه رعیت نیز اطاعت محض از شاه بود. به این ترتیب ارتباط حکومت با مردم بر مداری یکنواخت می چرخید و نوعی ارتباط ارباب رعیتی با توجه به اندیشه ای سنتی میان نظام سیاسی و جامعه برقرار شده بود. انقلاب مشروطه ایران با حضور نخبگان و اقشار وسیعی از ملت ایران نتیجه یک درک مشترک از سوی قاطبه ملت ایران است و آن حس عقب‌ماندگی ایران از کاروان پیشرفت و تمدن بشری است. این حس ابتدا در جنگ‌های ایران و روس و با مشاهده سلاح‌های مخرب آتشین و پیشرفت‌های چشمگیر روسیه و دولت‌های فرنگی ایجاد شد. از سوی دیگر تداوم حکومت استبدادی پادشاهان قاجار و گسترش رویه ظلم و اجحاف در ایران موجب پیدایش تدریجی شکاف بین ملت و حکومت شد. در پایان سده اول، حکومت قاجار دیگر در چشم و دل مردم ایران به خاطر ستم‌های بی‌امان پادشاهان و شاهزادگان، پادشاه ظل‌الله نبود و قداست پادشاه فرو ریخت و نخستین جنبش علیه حکومت در حادثه تحریم تنباکو شکل گرفت. از طرفی از سوی روشنفکران ایرانی مهم‌ترین مشکل در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران فقدان قانون و قانون‌گرایی معرفی شد. یک حقیقت جهانی را نیز نباید فراموش کرد و آن تحولات و مطالباتی بود که در پی ایجاد حکومت‌های مردم‌سالار از سوی مردم جهان ندا سر داده شده بود. روشنفکران ایرانی با دیدن پیشرفت‌های ملل اروپایی راز پیشرفت ایرانی را در یک عامل خلاصه می‌کردند و آن محدود کردن قدرت پادشاه و حکومت در قالب مشروط کردن حکومت به الزامات قانونی بود که در یک جمله می‌توان از آن به نام حکومت «مشروطه» نام برد.

در انقلاب مشروطه سه نگرش برجسته در عرصه فکری و سیاسی ایران فعال بودند، جریان مذهبی، روشنفکران و حامیان نظام استبدادی. هر سه جریان از فردای پیروزی مشروطیت در تلاش بودند تا منافع گروه خود را بر کُرسی نشانده و سایر اندیشه‌ها و رُقبا را از میدان به در کنند. سلطنت طلب‌ها به دربار وابسته بوده، اما مذهب‌یون و روشنفکران به گروه‌ها و نهادهای جدید اجتماعی نظیر انجمن‌ها، احزاب، مطبوعات و دیگر نهادهای مدرن که در نتیجه انقلاب مشروطه ایجاد شده بود، وابسته بودند. در رقابت بین این سه جریان، روشنفکران میدان سیاست را از آن خود نمودند. روشنفکران و بازیگران برجسته مشروطه اغلب منشا گیلانی و یا آذربایجانی داشتند. این موضوع نشان می‌دهد که اندیشه‌های مدرن در این مناطق بیش از گذشته ریشه داشته و این گروه با توجه به آگاهی‌های عمیق تری که از کارکرد مشروطیت و نهادهای سیاسی وابسته به دموکراسی پارلمانی و پارلمان‌تاریسم داشتند، بر فرایندهای مشروطیت تاثیرگذار شدند. این تاثیر گذاری و هژمونی گیلانیان به ویژه در دوره دوم مشروطیت با شکل گیری مجلس دوم و رویکرد انقلابی پارلمان دوم چهره خود را آشکار ساخت.

یکی از پایه های قدرتمند مشروطه ایران، انجمن ها و مطبوعات بودند. این دو نهاد برآمده مشروطیت بودند. بررسی های تاریخی نشان می دهد انجمن های سیاسی و مطبوعات گیلانی نقش موثری در معرفی مشروطیت، دفاع از دستاورهای آن، لزوم حفظ و حراست از آن و دفاع از آزادی های مشروع را در جامعه گیلانی مطرح نموده، از این رو در مرحله دوم مشروطیت، مجاهدان گیلانی با آگاهی قدم در میدان مبارزه نهاده و در دفاع از آن نقش آفرینی نمودند.

بررسی ها نشان می دهد، پیش از پژوهش حاضر درباره فرایند مشروطه گیلانی و تاثیر آن بر جریان های فکری ایران کمتر توجه شده است. در پژوهش حاضر تلاش می شود تا تاثیر گذاری مشروطه گیلانی بر ظهور رادیکالیسم در تاریخ اجتماعی و فکری با تاکید بر انقلاب مشروطیت ایران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۳-۴ فرایند: فرایندی که در آن محتوای علمی حاصل شده است، شرح داده شود.

در پژوهش پیش رو تلاش می شود دوره استبداد صغیر در ایران با تاکید بر تحولات فکری در گیلان مورد تأکید و تحلیل بیشتری قرار گیرد. یعنی تحولات سیاسی و اجتماعی رشت از بهمن ماه ۱۲۸۷ تا فتح تهران در ۲۱ تیر ۱۲۸۸ خ .

این زمان در حقیقت دورانی است که گیلانیان نقش مؤثری در خیزش و برپایی دوباره مشروطیت داشتند. در دوره اول مشروطه، گفتمان مسلط بر انقلاب مشروطه هژمونی علما بوده است. اما در دوره دوم که گیلانیان تقریباً تکاپوی مؤثرتری در فرایندهای انقلاب مشروطه داشتند، هژمونی مسلط بر فرایندهای مشروطه، روشنفکران رادیکال بوده است. این گروه در دسته اجتماعيون - عاميون قرار گرفته و بی محابا به نقد سنت و تبلیغ مدرنیته می پرداختند. در دوره نخست مشروطه که تقریباً دوره مجلس اول مشروطیت را شامل می شود، علما نقش مؤثرتری بر فرایندهای فکری و قانونگذاری مشروطیت داشتند. البته تفکر تطبیق شرع با حقوق غربی نهضتی بود که از روزنامه قانون و برخی متفکران عصر ناصری آغاز شده بود؛ در این دوره علما و حتی روشنفکران در صدد بودند تا مفاهیم حقوق مدنی و اساسی غربی و سکولاریزم را با مفاهیم شرعی اسلام و تشیع تطبیق دهند و به تعبیری دیگر به دنبال «این همانی» بودند. از معروف ترین چهره های روحانیت این تفکر پیش از مشروطه، نجم آبادی، طباطبایی، نایینی و هم فکرانش بودند، حتی رساله «یک کلمه» مستشارالدوله و روزنامه «قانون» ملکم نیز مروج این تفکر بود. اما پس از استبداد کوچک محمدعلی شاهی و عیان شدن دوباره چهره استبداد، انقلابيون جدید نسبت به گذشته بسیار بی باک شده و ترس و واهمه ای از بیان نمودن دیدگاه های ضد استبدادی و حتی ضد سنتی خود نداشتند. این گروه تحت تأثیر آموزه های اجتماعيون - عاميون یعنی همان سوسیال دموکرات های قفقازی بودند. چهره های جوان گیلانی نظیر حسین کسمایی، میرزا رحیم شیشه بر، کریم خان رشتی، پیرم خان و دیگران و از جریان تبریز نیز تقی زاده، حیدرخان عموآغلی، کربلایی علی مسیو در این گروه قرار گرفته و این شخصیت ها به دنبال ایجاد مدرنیته و تغییرات اساسی در ساختار فکری-فرهنگی جامعه ایران بودند.

اما اگر به صورت گذرا بخواهیم ویژگی های مشروطه گیلان را برشماریم، می توان به رادیکالیزم مشروطه گیلان اشاره کرد. از نظر فکری مشروطه خواهان گیلان تحت تأثیر سوسیال دموکرات های قفقاز بودند. گیلان به دلیل این که در دوره قاجار ایالتی بود که در مسیر ترانزیت ایران به اروپا قرار داشت به صورت معبری استراتژیک در مسیر رفت و آمد تجار، سیاحان، بازرگانان ایرانی و فرنگی قرار گرفت. در نتیجه، این موضوع باعث شده بود که مردم گیلان، به ویژه رشت، با پیشرفت های جدیدی که در اروپا ایجاد شده بود، آشنایی پیدا کنند. در نتیجه برخی از گیلانیان منورالفکر از مبانی فلسفه نوین غرب که بر پایه مردم سالاری قرار داشت، آگاهی داشته و با آنان در ارتباط بودند.

از سوی دیگر تنوع تجارت در این سرزمین، به ویژه تجارت ابریشم، باعث شده بود که تجار فرانسوی، یونانی، عثمانی، روسی، وارد گیلان شوند. تجارت به همراه خود موجب مبادلات فکری و فرهنگی دنیاهای گوناگون می شود. همچنین تجارت شبلات بستر مناسبی جهت تداوم مبادلات اقتصادی و فرهنگی فراهم کرد. علاوه بر موارد یادشده، تجارت برنج و سایر محصولات که در سراسر سرزمین گیلان و طولش به دست می آمد، موجب گسترش ارتباطات فرا سرزمینی مردم گیلان می شد، نکته بسیار مهم این مبادلات گسترش ارتباط های بخش اجتماعی فرودست جامعه گیلان با پیشرفت های تکنیکی و فکری دنیای غرب بود. همین مسأله تناقضاتی را برای مردم در تمامی اقشار ایجاد کرده و بسترهای نارضایتی را بیش

از گذشته فراهم نمود. بنابراین تولیدکنندگان ابریشم، برنج، توتون و تنباکو یا ماهی‌گیران عموماً جزو اقشاری بودند که در انقلاب مشروطه خواسته‌هایی اجتماعی را مطالبه می‌کردند. این نکته بسیار مهمی است که ما در سایر مناطق ایران کمتر با آن مواجهیم.

با اینکه جریان مشروطه خواهی علاوه بر تهران در برخی از ایالات نظیر کرمان، آذربایجان، خراسان، اصفهان و سایر مناطق پیگیری می‌شد و هواداران سرسختی در این مناطق داشت، اما جریان مشروطه‌خواهی گیلانیان دارای تنوع آرا و دیدگاه‌های گوناگونی بود. دعوای مشروطه خواهان، مستبدان با طرفداران مدرنیته و مشروطه در گیلان همانند تهران بسیار پر رنگ بود. در نتیجه دعوای فکری و سیاسی این دو دسته بر فضای مشروطه خواهی ایران نیز تاثیر گذاشت و موافقان و مخالفان مشروطه در تهران مجبور به طرفداری از طیف‌های فکری خود در گیلان شدند. هم زمان با نزاع‌های فکری مشروطه خواهان با مشروطه خواهان در تهران، درگیری‌های فکری و فیزیکی زیادی بین ملای خمایی با روشنفکران و سوسیال دمکرات‌های گیلانی برقرار بود، البته مشروطه خواهان گیلانی از قدرت و پایگاه چندانی در گیلان برخوردار نبوده و تنها حاکم گیلان از آن پشتیبانی نموده و در موقعیت ضعف به سر می‌بردند. سرانجام اندکی پیش از حرکت اردوی گیلان به تهران، مشروطه خواهان گیلانی که اندکی پیشتر سلطنت طلبان را با نیروی نظامی از میدان به در کرده بودند، ملای خمایی را از سر راه برداشتند و در مسیر خود در قزوین نیز همین برخورد را با بحر العلوم، روحانی طرفدار استبداد و مشروطه خواه اعمال نمودند، این گروه که رویکردی رادیکالی داشتند، نقش موثری در شکست محمدعلی شاه داشته و سرانجام همین گروه با همکاری رادیکال‌های تبریزی شیخ فضل الله را با فتوای شیخ ابراهیم زنجانی بردار نمودند. آنها تصور می‌کردند با بردار نمودن شیخ فضل الله، بساط اندیشه مخالفت با مدرنیته و مشروطه خواهی در ایران برچیده خواهد شد. در حالی که اندیشه مشروطه خواهی شیخ فضال الله سنتی سیاسی- فکری در تشیع بود که از اواخر دوره صفویه شروع و در عصر قاجار به اوج خود می‌رسد و با کشتن شیخ نیز به پایان نمی‌رسد. در نظریه پیش رو با رویکرد انتقادی بحث تاثیرگذاری مشروطه گیلان بر مشروطه ایرانی با استفاده از روش تاریخی و به شیوه تحلیلی، موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در پژوهش پیش رو پژوهشگر به بررسی و پیوند نقش عوامل فکری و تاریخی که موجب ایجاد بحث‌های در زمینه تاثیر گذاری مشروطه گیلانی بر مشروطه ایرانی می‌پردازد چندوجهی بودن سازوکار پژوهش موجب خواهد شد تا نتایج حاصل از آن در سایر حوزه‌های مطالعاتی نیز مورد بهره‌مندی واقع گردد.

۵-۴ منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود.

- آدمیت، فریدون، /میرکبیر و/ ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۸.
- ، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام، ۱۳۵۴.
- آرین پور، یحیی، /از صبا تا نیما، ۳ ج، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۲.
- آفاری، ژانت، /انقلاب مشروطه‌ای ایران، ترجمه‌ی رضا رضایی، تهران: بیستون، ۱۳۷۹.
- آوری، پیترو، /تاریخ معاصر ایران، ترجمه‌ی محمد رفیع آبادی، تهران: عطایی، ۱۳۶۳.
- افشار، ایرج، /وراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده، تهران: جاویدان، ۱۳۵۹.
- اتحادیه، منصوره، /پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت، دوره‌ی اول و دوم مجلس شورای ملی، تهران: گستره، ۱۳۶۱.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره و سعوندیان، سیروس، /گزیده‌ای از مجموعه‌ی اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما ۱۳۴۰-۱۳۲۵ هجری، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.
- ایوانف، میخائیل سرگه‌یویچ، /انقلاب مشروطه‌ای ایران، ترجمه‌ی آذر تبریزی، تهران: شبگیر و ارمغان، ۱۳۵۷.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، /تلاش آزادی، تهران: نوین، ۱۳۴۱.
- پالویچ، م. تریا و س. ایرانسکی، سه مقاله درباره‌ی انقلاب مشروطه‌ای ایران، ترجمه‌ی م. هوشیار، تهران: جیبی، ۱۳۵۷.
- پناهی، عباس، -----، تأثیر قفقازی‌ها و سوسیال دمکرات‌ها بر مشروطه‌ی گیلان و آذربایجان، مجموعه مقالات همایش مجاهدان تبریز (گرامیداشت یکصدمین سالگرد درگذشت ستارخان سردار ملی)، به کوشش دکتر عباس قدیمی قیداری، تبریز: انتشارات ستوده، اسفند ۱۳۹۳.



باسمه تعالی

-----، اسناد و عریضه‌های دوره‌های دوم تا پنجم مردم گیلان به مجلس شورای ملی، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی،

۱۳۹۶.

-----، اسناد و عریضه‌های دوره‌های ششم تا سیزدهم (عصر رضاشاه) مردم گیلان به مجلس شورای ملی، تهران: حوزه هنری با همکاری نشر فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۶.

تدین، عطاءالله، تاریخ گیلان و نقش گیلان در نهضت مشروطیت ایران، تهران: فروغی، ۱۳۵۳.

تقی‌زاده، حسن، خطابه‌ای مشتمل بر شمه‌ای از تاریخ اوائل مشروطیت ایران، تهران: باشگاه مهران، ۱۳۳۸.

حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.

دفترروایی، ناصر، خاطرات و اسناد ناصر دفترروایی، انقلاب مشروطه نهضت جنگل، دوره‌ی ناامنی خلخال، به‌کوشش ایرج افشار و بهزاد رزاقی، تهران: فردوسی، ادیب، ۱۳۶۳.

دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ۴ج، تهران: عطار، فردوسی، ۱۳۶۲.

یزدانی، سهراب، مجاهده‌ان مشروطه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹.